

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۷۶

جمعه ۴ مهر ۱۳۹۳، ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۴

جمهوری اسلامی باید از نمایشگاه کتاب فرانکفورت اخراج شود!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری
ایران- آلمان

صفحه ۹

در باره کسب آراء ۱۲.۹ درصدی حزب راسیستی دمکراتهای سوئد در انتخابات سوئد و راه های مقابله با راسیسم و خارجی ستیزی

صفحه ۸

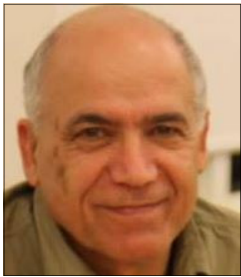
لگام " پاسخ نیست، به جنبش علیه اعدام بپیوندید!

سیروان قادری

صفحه ۹

حزب، جامعه و طبقه کارگر

اصغر کریمی



اعتراضی تعداد بیشتری از
رهبران و فعالین کارگری به
میدان میایند که بر خواست های
صفحه ۲

رسیده ایم و چه افقی در مقابل
رهبران جنبش کارگری قرار دارد.
موقعیت و چهره و سیمای
جنبش کارگری و طبقه کارگر
ایران امروز با سه دهه و حتی یک
دهه قبل تفاوت های آشکاری را
نشان میدهد. امروز طبقه کارگر
ایران رویکرد اجتماعی تر و
طبقاتی تری به جامعه دارد و به
مسائل اجتماعی حساسیت
بیشتری نشان میدهد. چهره هایی
دارد که جامعه آنها را میشناسد
و در جریان هر اعتصاب و

پیوستگی تاریخی:
فعالیت ما در جنبش کارگری
پیوستگی تاریخی عمیقی از بدو
شکل گیری مارکسیسم انقلابی
در مقطع انقلاب ۵۷ تا امروز
داشته است. وجوه مختلف این
فعالیت ها را در مقاطع مختلف
توضیح داده ایم اما ضروری است
که این جهتگیری ها یکجا تبیین
شود، موقعیت کنونی طبقه
کارگر توضیح داده شود، بینیم
مسیر حرکت در این فاصله چه
بوده و امروز به چه نقطه ای

بیانیه مشترک در مورد مقابله با جمهوری اسلامی و ارتجاع اسلامی در منطقه

حزب کمونیست ایران
حزب کمونیست کارگری ایران
حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

صفحه ۵

مقابله با داعش و تروریسم اسلامی در همه جای دنیا امکانپذیر و ضروری است

مصاحبه با مینا احدی

صفحه ۶



حزب، جامعه و طبقه کارگر

خود آگاهی بیشتری دارند و پافشاری بیشتری میکنند. بیش از پیش شاهد حضور خانواده های کارگری در اعتصابات هستیم، تلاش برای متشکل شدن بیشتر شده و به یمن تلاش فعالین کارگری تشکل های مختلفی شکل گرفته است. رهبران کارگری مدام حتی از زندان بیانیه میدهند و نسبت به مسائل مختلف اظهار نظر میکنند. در سطح بین المللی نیز وضعیت کارگران ایران و مبارزات آنها بیشتر شناخته شده و همبستگی بیشتری به خود جلب کرده است. این فاکتورها جایگاه کارگر در فرهنگ سیاسی جامعه ایران را تغییر داده و موقعیت جنبش کارگری در مقابل جنبش های طبقات دیگر را ارتقا داده است. این يك اتفاق سیاسی و هویتی مهم برای طبقه کارگر و برای جامعه ایران است. اینها مولفه هائی است که پایه های تئوریکش را تبیین کرده ایم، برنامه اش را نوشته ایم و در جریان فعالیت های عملی و روزمره برای تكتيك اين مولفه ها تلاش سیستماتيك و فشرده ای انجام داده ایم. ما رگه معینی در کمونیسم را نمایندگی میکنیم و کار ما در این زمینه نیز متمایز و اکثراً در تقابل با کمونیسم های غیر کارگری و غیر اجتماعی یا بعبارتی کمونیسم بورژوائی بوده است. نه شباهتی با سنت اتحادیه ای در غرب دارد و نه ربطی به کمونیسم های غیر کارگری در ایران. در مقطع انقلاب ۵۷ که خلق گرایی بر جنبش چپ ایران حاکم بود مارکسیسم انقلابی پا به صحنه گذاشت و در عرض سه سال چپ ایران را متحول کرد.

بخش اعظم کمونیسم آن دوره به مارکسیسم انقلابی روی آورد. مارکسیسمی که ادعای بورژوازی ملی و مترقی را رد کرد، صریح و روشن تاکید کرد که ایران جامعه ای سرمایه داری است، کل سرمایه ارتجاعی است، هیچ بخش آن و هیچ بخشی از نمایندگان سیاسی آن مترقی و قابل دفاع نیست، طبقه کارگر باید برنامه خود را به جامعه اعلام کند، حزب سیاسی و مستقل خود را تشکیل دهد و با برنامه و صف مستقل خود در مقابل کل ارتجاع بورژوائی قد علم کند. این حرفهای ساده و امروز بدیهی در آن ایام تقابل آشکاری بود با کل گروههای چپ از سنت فدائی و پیکار تا راه کارگر و جریانات سه جهانی و غیره، که نه حزب را عملی میدانستند و نه به کسی حق میدادند که برنامه ای بنویسد و مطالباتی را برای طبقه کارگر و کل جامعه تدوین کند. تحلیل های آنها نیز طبقه کارگر را به سیاهی لشکر احزاب و جریانات بورژوائی تبدیل میکرد. مارکسیسم انقلابی پشتش به يك انقلاب و جنبش شورائی و کارگری استوار بود و چنان شالوده تئوریکی محکمی داشت که این موانع را بسرعت پشت سر گذاشت و جنبش کمونیستی و کارگری در ایران را وارد دوره نوینی کرد. حزب کمونیست کارگری در تقابل با طرح سندیکای مخفی!

بر مجمع عمومی علنی و جنبش مجمع عمومی و شورائی کوبید، بر اهمیت حیاتی مبارزات اقتصادی کارگران در تقابل با تکرار طوطی وار خطر اکونومیسم تاکید کرد، پرچم مطالبات روشنی را برافراشت، اعلام کرد که طبقه کارگر توده بی شکل و متمایز نیست و در بدترین دوران اختناق نیز حداقلی از سازمانیابی محفلی و شبکه های کارگران مبارز را دارد، صف بدون رهبر نیست و رهبران و آژیتاتورهای خود را دارد که در مبارزات روزمره کارگران نقش مهمی ایفا میکنند، اعلام کرد که کمونیسم نیروئی اجتماعی در درون طبقه کارگر است و در اتحادیه های بزرگ دنیا به آن پیوستند. قبل از آن در زمستان سال ۷۵ کمپین چندماهه در دفاع از اعتصاب کارگران پالایشگاه ها را سازمان دادیم که بعنوان بزرگترین کمپین در دفاع از کارگران ایران ثبت شده است. در جریان این کمپین صدها اتحادیه کارگری در سراسر جهان به حمایت از کارگران ایران و خواست های مهم آنها از جمله حق تشکل و اعتصاب و قراردادهای جمعی پرداختند، تصویری که مدیای غرب از جامعه ایران بعنوان جامعه ای عقب افتاده و غیر صنعتی بدون يك طبقه کارگر معترض با سابقه ای از مبارزات طولانی به خورد

امروز طبقه کارگر ایران رویکرد اجتماعی تر و طبقاتی تری به جامعه دارد و به مسائل اجتماعی حساسیت بیشتری نشان میدهد

سطح بین المللی شروع به معرفی طبقه کارگر و جنبش کارگری کرد و بزرگترین کمپین های سیاسی را سازمان داد. از کارگران مهاجر افغان در مقابل برخورد های راسیستی دفاع کرد و طبقه کارگر ایران را به حزب مجهز نمود. در دهه اخیر همراه با رشد جنبش کارگری و تحرکات بیشتری که در جامعه شروع شد، مساله هویت اجتماعی دادن به گرایش چپ و سوسیالیست در جنبش کارگری و چهره کردن رهبران کارگری را با تمرکز بیشتری شروع کردیم و هر جا فعالین کارگری دستگیر شدند با تمام قوا به دفاع از آنها برخاستیم و با اسم و رسم در سطح جهانی حمایت سازمان های کارگری از آنها را جلب کردیم. قبل از این دهه نیز کمپین هائی را در دفاع از کارگران زندانی از جمله کمپین برای آزادی محمود صالحی در سال ۷۹ سازمان دادیم که

افکار عمومی داده بودند، در هم شکست و طبقه کارگر در سطح بین المللی حامیان خود را یافت. با شروع کمپین دفاع از محمود صالحی مورد انتقاد بخشی از چپ قرار گرفتیم. سمپاشی کردند که ما امنیت فعالین را بخاطر می اندازیم و حکومت را نسبت به آنها حساس میکنیم! بهتر است طبقه کارگر اصلاً رهبر شناخته شده نداشته باشد! ما در مقابل با شدت و حدت بیشتری بر ضرورت تبدیل رهبران کارگران به چهره های سرشناس جامعه انگشت گذاشتیم و بویژه در کانال جدید سیستماتيك در این جهت اقدام کردیم و خوشبختانه فعالین کارگری اهمیت این سیاست را تشخیص دادند و امروز طبقه کارگر ایران صاحب صدها فعال شناخته شده کارگری در سطح سراسری و یا محلی و بعضاً جهانی است. در طول دهه های گذشته در دهها کنفرانس و تجمعات بزرگ کارگری سعی کرده ایم کارگران

ایران و خواست هایشان و رهبران کارگری را معرفی کنیم. متأسفانه در مقطع انقلاب ۵۷ علیرغم نقش مهمی که طبقه کارگر در سرنگونی حکومت شاه بدوش داشت و علیرغم اینکه شرایط سیاسی و توازن قوا از هر نظر برای عرض اندام طبقه کارگر فراهم بود، اما بدلیل سنت های غیر اجتماعی حاکم بر چپ آن دوره از جمله بر بخش پیشرو جنبش کارگری، نتوانست از فرصت استفاده کند. هرچند در بسیاری مراکز صنعتی از جمله در تهران و شمال و بدرجائی جنوب کشور در شوراهای خود متشکل شد اما نه رهبرانی به جامعه معرفی کرد، نه پلاتفرمی در دفاع از خواست های مردم برافراشت، نه مردم را به حمایت از خود فراخواند و نه همه نیرویش حتی اعضای خانواده هایش را به میدان آورد و نه مدام خبررسانی کرد تا جامعه را در جریان مبارزات و مطالبات خود قرار دهد. جامعه در تب و تاب سیاسی میسوخت و کارگران در بهترین حالت در درون کارخانه مشغول دفاع از خواست های اقتصادی خود بودند. این مقطعی بود که طبقه کارگر نمیتوانست گامهای بسیار بلندی بردارد و موقعیت خود را در جامعه دگرگون کند. این فرصت از دست رفت اما امروز طبقه کارگر بسیار پخته شده و علیرغم سرکوب سیستماتيك و دستگیری بسیاری از فعالین کارگری، و علیرغم شرایط بسیار دشوار اقتصادی که طبقه کارگر را در منگنه میفشارد پیشروی بسیاری کرده است. وجود صدها چهره شناخته شده کارگری بنظر من بزرگترین موفقیت طبقه کارگر در سه دهه اخیر بوده است که بعنوان يك دستاورد تاریخی باید از آن یاد کرد. بعداً به این مساله و اهمیت سیاسی و طبقاتی این مساله بازخواهم گشت.

تاکید بر حضور خانواده های کارگران و مردم شهر در اعتراضات کارگری، خبررسانی و تبدیل اعتصابات به

وجود صدها چهره شناخته شده کارگری بنظر من بزرگترین موفقیت طبقه کارگر در سه دهه اخیر بوده است که بعنوان يك دستاورد تاریخی باید از آن یاد کرد

حزب، جامعه و طبقه کارگر

موضوعی اجتماعی جنبه های دیگری از سیاست ما و جزء لایتجزای سیاست ما در جنبش کارگری بوده است که بویژه در سالهای اخیر مورد تاکید دائمی ما قرار داشته است. در این زمینه از جمله میتوان به جزوه ای تحت عنوان "اعتصاب مدرسه انقلاب است" مراجعه کنید. در این جزوه که ده سال قبل به کارگران نساجی کردستان در سسنندج تقدیم کرده ام مجموعه این مولفه ها توضیح داده شده است. برای جا انداختن تک تک این مولفه ها فعالیت های حجاجی را در سالهای گذشته به پیش برده ایم.

این مولفه ها مجموعه ای بهم پیوسته است که سنت متمایز ما را بیان میکند. از تلاش برای مجهز کردن نظری و سیاسی طبقه کارگر در مقابل سایر طبقات و جناح های مختلف حکومت تا تدوین برنامه و ایجاد حزب و تلاش برای هویت اجتماعی دادن به جنبش کارگری و کمپین های سیاسی بین المللی و غیره، ما رگه متمایزی از کمونیسم را نمایندگی کرده ایم. امروز بخش پیشرو جنبش کارگری با دهه های قبل تفاوت عمیقی کرده است. به همه این مسائل فکر میکند و هر جا که حضور فعالتری داشته باشد اعتصابات و اعتراضات را با توجه به این مولفه ها سازمان میدهد.

اساس و جوهر این تمایز کدام است؟

در دیدگاه ما طبقه کارگر یک طبقه اجتماعی است با تمام مشخصات یک طبقه اجتماعی و با تمام خواست های یک طبقه

اخته کرده اند. مبارزه کارگر برای آنها صرفا مبارزه ای صنفی است و در سیاست معنی اش رای دادن به و دفاع از احزاب بورژوازی است. در نتیجه تمام هنر اتحادیه ها این است که کارگر را در کارخانه و بر سر خواست های محدودی از جمله دستمزد و ساعت کار و ایمنی

آن است که بخواهد و یا بتواند منافع عمومی طبقه کارگر را در مقابل طبقات دیگر تقویت کند. اینکه شهریه های دانشگاه ها افزایش می یابد و بسیاری از فرزندان کارگران از تحصیلات دانشگاهی محروم میشوند، اینکه معضلات طب در آن جامعه چیست یا چرا سن

را پیدا کرده باشد. اگر جامعه قرار است رهبری طبقه کارگر را بپذیرد باید قدرت آن طبقه را ببیند، رهبرانش را بشناسد، از اعتصابات و مبارزاتش آگاه شود و بتواند از آنها حمایت کند. طبقه کارگر نمیتواند خود را آزاد کند مگر همراه با خود کل جامعه را آزاد کند. باید

تمام تلاش ما در طول فعالیت سیاسی مان این بوده است که به طبقه کارگر هویتی اجتماعی بدهیم. که به رهبران شناخته شده، مطالبات روشن با توقعات بالا و شناخته شده در سطح جامعه و تشکل هائی متکی بر اراده عمومی کارگران، مجهز شود و رویکردی اجتماعی و واقعا طبقاتی داشته باشد

محیط کار و حداکثر بازنشتی کارگران و امثالهم با کارفرما و دولت مذاکره کنند و حتی در این زمینه هم نتوانند سیاست رادیکالی اتخاذ کنند. از نظر جنبشی اتحادیه ها رفرمیسم بورژوازی را نمایندگی میکنند، دفاع از سرمایه وطنی در مقابل سرمایه های دیگر، رعایت "مشکلات" دولت ها، ملاحظه موقعیت احزابی که به آنها وابسته اند باعث میشود که در زمینه مطالبات صنفی شان نیز بسیار محتاط و سازشکار باشند. نه به جنبش مجمع عمومی متکی هستند تا واقعا اراده کارگران را نمایندگی کنند، نه در هیچ مبارزه ای به خانواده های کارگری متکی میشوند تا نیروی بیشتری را به میدان بیاورند و نه مطالبات عمومی طبقه کارگر را در تقابل با بورژوازی مطرح میکنند. اتحادیه ها در بهترین حالت تلاش میکنند نیروی کار را به قیمت کمی بهتر به سرمایه داران بفروشند و در عرصه سیاسی کارگران را دست بسته تحویل طبقات حاکم بدهند. قالب مبارزه برای اتحادیه های کارگری تنگ تر و محدودتر از

بازنشتی مدام بالاتر میرود و هزار تعرض روزمره سرمایه و دولت ها به زندگی و معیشت طبقه کارگر مطلقا به اتحادیه ها مربوط نمیشود. ما هیچ وجه اشتراکی با این دیدگاه ها نداریم.

تمام تلاش ما در طول فعالیت سیاسی مان این بوده است که به طبقه کارگر هویتی اجتماعی بدهیم. که به رهبران شناخته شده، مطالبات روشن با توقعات بالا و شناخته شده در سطح جامعه و تشکل هائی متکی بر اراده عمومی کارگران، مجهز شود و رویکردی اجتماعی و واقعا طبقاتی داشته باشد. طبقه و جنبشی که رهبران شناخته شده ندارد به جایی نمیرسد همینطور که حزبی که رهبران شناخته شده نداشته باشد به جایی نمیرسد و هویت پیدا نمیکند. رهبران شناخته شده یک اهرم مهم بسیج نیرو و قدرت و اجتماعی شدن احزاب و جنبش ها و هویت یافتن آنها است. همینطور جنبشی که مطالبات روشنی برای کل جامعه ارائه ندهد محدود و درخود میماند، قدرت بسیج جامعه را پیدا نمیکند و در عرصه سیاست دنباله رو جنبش ها و احزاب دیگر میشود. بعلاوه نمیتواند طبقه کارگر در ایران قد علم کند بدون اینکه در سطح جهانی خود را نشان داده باشد و حامیان خود

بعنوان ناجی جامعه ظاهر شود و خواست های اساسی مردم را بیان کند تا به رهبر جامعه و انقلاب تبدیل شود. و اینها بدون حزب عملی نمیشود. حزب حلقه کلیدی و لولای اتصال کارگر و جامعه است، حزبی که کارگر را در صحنه سیاسی و برای کسب قدرت سیاسی در مقابل طبقات دیگر نمایندگی کند. کمونیسم غیر کارگری و غیر اجتماعی هیچکدام از این مولفه های مهم و اساسی را نمی بیند چون در واقع نماینده این طبقه نیست. کمونیسم غیر کارگری مدام کلیشه هایی را تکرار میکند، روزی ده بار شبیه مومنین از طبقه کارگر بعنوان رهبر انقلاب حرف میزند، به سر کارگر قسم میخورد و تملقش را هم میگوید تا احساس گناه تاریخی خود را به طبقه کارگر بیان کند. چون هیچ قدمی برای بهبود موقعیت این طبقه برنداشته است و هر چه جنبش کارگری جهتگیری اجتماعی بیشتری پیدا میکند خود را نسبت به آن بیگانه تر احساس میکند.

قبل از اینکه به نکته آخر بپردازم چند کلمه را باید درمورد اعتصابات اخیر کارگران معدن بافق به دلیل اهمیت آن و ارتباط مشخص آن به این بحث اشاره کنم. درمورد این اعتصاب نکات زیادی میتوان گفت که در

بخش پیشرو جنبش کارگری بدرجه ای که بر سنت های غیر اجتماعی و سنتی غلبه کرده است، به همان درجه جلو آمده است

حزب، جامعه و طبقه کارگر

با انتخاب حزب است که طبقه کارگر چند سر و گردن در جامعه بالا می‌رود. هویت طبقاتی پیدا میکند. سخنگوی سیاسی و سراسری پیدا میکند. پلاتفرم خود را در مقابل جامعه بلند میکند و ظرفیت های عظیم خود را از جمله برای اعتصاب عمومی آزاد میکند و در سطح

نوشته های دیگری به آن پرداخته ام. اینجا يك نکته را می‌خواهم تاکید کنم و آن نقش خانواده های کارگران بود که ابعادی بسیار اجتماعی به مبارزه کارگران در معدن داد. اولین بار بود که يك حرکت جمعی طولانی مدت توسط کلیه خانواده های کارگران دستگیر شده بشکل تحسن در مقابل يك اداره دولتی شکل گرفت و مردم يك شهر را به همبستگی فراخوان داد. اولین بار بود که خانواده های کارگران دسته جمعی و قائم به ذات و بلافاصله پس از دستگیری کارگران دست به يك اقدام تعرضی و بسیار موثر زدند و حتی کارگران را تشویق به ادامه اعتصاب تا آزادی کارگران بازداشت شده کردند. این بنظر من مهمترین درس اعتصاب بافق بود که کارگران گوشه ای از قدرت اجتماعی خود را نشان دادند. خانواده ها حلقه اتصال کارگران يك مرکز تولیدی محدود با جامعه شدند و به اعتصاب کارگران ابعادی بسیار فراتر و کیفیتی بسیار تازه دادند. در شرایطی که جمهوری اسلامی با روی کار آمدن روحانی بطور سیستماتیک و در ابعاد وسیعتری به اعتصابات برخورد امنیتی میکند و به دستگیری و پرونده سازی برای رهبران اعتصابات میپردازد به میدان آمدن خانواده ها و مردم شهر اهمیتی صد برابر یافته است.

کجای کار هستیم، قدم های بعد چیست؟

علیرغم پیشروی هایی که اشاره کردم طبقه کارگر ایران هنوز در ابتدای راه است. پیشروی های مهمی کرده و خشت های اولیه را رویهم گذاشته است. دستاوردی که با هیچ درجه سرکوب و تحمیل عقب نشینی به کارگران از بین

اعتراضات با همراهی خانواده های کارگران و مردم مواجه شده است، فشار روی کارگران نیز کاهش یافته وموفقیت آنها بیشتر شده است. بنابر این فعالین کارگری و رهبران اعتصابات باید همین جهتگیری را با تمام قوا به پیش ببرند. توجه لازم به اطلاع رسانی به مردم شهر و به کل جامعه از طریق هر رسانه های که صدای کارگر را منعکس میکند و از جمله استفاده از مدیای اجتماعی که متأسفانه با بی توجهی زیادی توسط فعالین کارگری همراه است. تحکیم رابطه با جامعه و یا شهر محل اعتصاب، تلاش سیستماتیک برای به میدان کشیدن کل نیروی طبقاتی خود و مشخصا نزدیکترین نیرو یعنی اعضای خانواده های کارگران که نمونه بسیار درخشان را در اعتصاب

طولانی مدت کارگران معدن بافق شاهد بودیم، برپائی مجمع عمومی هرروزه در جریان اعتصاب و تلاش برای دائمی کردن آن، انتخاب تعداد زیادی نماینده برای هدایت اعتصاب، مقابله قاطع و با تمام قوا برای آزادی کارگران دستگیر شده و معرفی آنها به جامعه اینها از جمله محورهای پیشروی کارگران بوده است و تداوم آن شرط موفقیت بیشتر خواهد بود.

اما از همه کلیدی تر و حیاتی تر برای کارگران، انتخاب توده ای حزب سیاسی خود میباشد. بدون حزب طبقه کارگر نه تنها نمیتوان جامعه ایده آل خود را بعد از بزیر کشیدن حکومت شکل داد بلکه همین امروز هم نمیتوان کل نیروی خود را به میدان آورد، اطلاع رسانی همه جانبه کرد و بر موانع

مختلف مبارزه غلبه کرد. با انتخاب حزب است که طبقه کارگر چند سر و گردن در جامعه بالا می‌رود. هویت طبقاتی پیدا میکند. سخنگوی سیاسی و سراسری پیدا میکند. پلاتفرم خود را در مقابل جامعه بلند میکند و ظرفیت های عظیم خود را از جمله برای اعتصاب عمومی آزاد میکند و در سطح بین المللی نمایندگی میشود. و اینها همه به کارگران در مبارزات همین امروزشان قدرت بسیار بیشتری می دهد.

اینها در عین حال سرفصل های اقداماتی است که پیش رو داریم. طبقه کارگر باید با سرعت از این مرحله عبور کند و در شرایطی که جمهوری اسلامی همچنان در بحران به سر میبرد خود را برای ایفای نقش تاریکساز آماده کند. *

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاتریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است. برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

بیانیه مشترک در مورد مقابله با جمهوری اسلامی و ارتجاع اسلامی در منطقه

حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران، حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

خطرات که آینده جامعه و امنیت و آسایش انسانها را تهدید می کنند، کمونیستها تنها نیرویی هستند که همان خواستها و اهدافی را دنبال می کنند که ریشه در شرایط عینی زندگی کارگران و مردم زحمتکش دارد. تمام خواست های اقتصادی، رفاهی و آزادیخواهانه ای که کارگران، زنان و مردم آزادیخواه روزانه در ایران برای آنها مبارزه می کنند، همواره بخشی از هویت مبارزاتی و سیاسی کمونیست ها را تشکیل داده است. تنها با به میدان آوردن این نیروهای اجتماعی و با تکیه بر مبارزات کارگران و مردم زحمتکش، مبارزه رهایی بخش زنان و جوانان و سازمانیابی این جنبش ها بر متن مبارزات جاری است که میتواند نیروهای رنگارنگ اپوزیسیون بورژوازی را به حاشیه راند، جریان های ارتجاعی سلفی را منکوب کرد، جمهوری سرمایه داری اسلامی را به زیر کشید و امکان برپایی يك جامعه سوسیالیستی، جامعه ای آزاد و عاری از هرگونه ستم و استثمار را در دسترس قرار داد.

اکنون با توجه به روند تحولات در منطقه، جامعه ایران در برابر يك آزمون تاریخی قرار گرفته است. جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی با تکیه بر آگاهی و تجارب تاریخی که دارند و با درس آموختن از تجارب تحولات منطقه و با افق سوسیالیستی می توانند نه تنها جامعه را از معرض خطراتی که آن را تهدید می کند عبور دهند، بلکه با سرنگون کردن جمهوری اسلامی ضربه کاری به نیروهای اسلامی در منطقه و جهان وارد کنند. ما امضا کنندگان این بیانیه بر اهمیت حیاتی بمیدان آوردن این نیروهای اجتماعی و اتحاد آن علیه اردوی ارتجاع بورژوازی و برای پیروزی راه حل کارگری و سوسیالیستی در جامعه ایران تاکید میکنیم. کمونیسم و آزادیخواهی در ایران با قدرت در مقابل کل نیروهای ارتجاعی منطقه خواهد ایستاد!

حزب کمونیست ایران
حزب کمونیست کارگری ایران
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۲ مهر ۱۳۹۳ - ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۴

جمهوری اسلامی اکنون تلاش دارد از طریق سازش با آمریکا و دیگر قدرت های غربی و همسویی با آنها موقعیت خود بعنوان یکی از بازیگران صحنه سیاسی عراق و منطقه را حفظ کند و در داخل ایران هم با تکیه بر سرکوب و گسترش موج اعدام ها خطر خیزش های توده ای و سرنگونی را از سر دور کرده و بقای خود را تضمین نماید.

دولت "تدبیر و امید" روحانی که اساسا بمنظور نجات جمهوری اسلامی روی کار آورده شد خود به عامل تازه ای در تشدید کشمکشهای باندهای حکومتی و گسترش تعرض مردم به کل حکومت تبدیل شده است. سیاست "صبر و انتظار" روحانی با مواجهه کارگران و مردم از یکسو و تقابل منافع و تشدید جنگ جناح های رژیم از سوی دیگر روبرو است و رژیم هیچ چشم اندازی برای حل و حتی تخفیف معضلات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی مزمینی که با آن دست به گریبان است ندارد. دولت روحانی و کل نظام جمهوری اسلامی امروز در قلمرو داخلی و تقابل با جنبشهای اجتماعی و در قلمرو منطقه ای و دیپلماسی هسته ای، سردرگم و بی افق و بی آینده است.

در چنین اوضاعی بخش های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران بویژه بعد از آغاز پروسه سازش جمهوری اسلامی با غرب در يك سرخوردگی و آچمز سیاسی بسر میرود. بخشی از نیروهای پرو غرب و جریانات ناسیونالیست همچنان بدنبال جلب نظر و حمایت آمریکا برای گرفتن قدرت از بالای سر مردم هستند. اوضاع امروز عراق نشاندهنده ورشکستگی سیاسی این نیروها است. بخشی دیگر از اپوزیسیون راست و ملی اسلامی و حتی غیر مذهبی، اوضاع در سوریه و عراق را دلیلی بر دفاع از بقای جمهوری اسلامی میدانند. این طیف از نیروها با حمایت از پروژه روحانی تلاش دارند برای جمهوری اسلامی وقت بخزند.

در تقابل با استیصال و سرخوردگی اردوی نیروهای مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران، برای خنثی کردن خطر مداخله قدرت های غربی، جهت جلوگیری از غلطیدن جامعه به دام جنگ های قومی، مذهبی و فرقه ای و برای به زیر کشیدن رژیم جمهوری اسلامی، کمونیست ها تنها نیرویی هستند که می توانند افق رهایی را پیشروی جامعه قرار دهند. در مقابله با این

بحران امروز عراق امری خلق الساعه نیست. وضعیت فاجعه باری که امروز بر مردم ستمدیده عراق حاکم شده است، محصول مستقیم سیاست های ارتجاعی دولت آمریکا و اشغال عراق از طریق تهاجم وحشیانه و ضدانسانی به این کشور، و بر این زمینه سیاستها و عملکرد دولت های ارتجاعی عراق و عربستان و جمهوری اسلامی و ترکیه و جریانات اسلامی در منطقه است. داعش و توحشی که نمایندگی میکند، محصول فرعی این اوضاع اند. جریان اسلامی داعش که امروز در عراق میداندار شده و دست به جنایات عظیمی علیه مردم زده است، جرثومه کشفاتی است که از دولت آمریکا و متحدین غربی اش تا دول اسلامی زمینه های آنرا ایجاد کرده اند.

اکنون پدیده دولت اسلامی "داعش" نیز مانند طالبان و القاعده عملا به بهانه و ابزاری برای پیشبرد دور جدیدی از سیاستهای میلیتاریستی و تروریسم دولتی آمریکا و ناتو تبدیل شده است. تلاش آمریکا برای شکل دادن به ائتلاف بین المللی علیه "داعش" بخشی از تلاش آن برای اعاده موقعیت از دست رفته در منطقه و کسب رهبری بر جهان چند قطبی است. آمریکا علیرغم به نمایش گذاشتن قدر قدرتی نظامی و لشکرکشی به افغانستان و عراق نتوانست هژمونی خود را بر جهان تحمیل کند و رقابت و کشمکش قطبهای سرمایه داری برسر تقسیم مجدد جهان و حوزه نفوذ ادامه یافته است. در متن بحران اقتصادی جهان سرمایه داری و جدال برسر مناطق نفوذ، نیروهای تروریست اسلامی و تروریسم دولتی غرب آینده تاریک تر و هولناک تری را برای مردم عراق و منطقه تدارک دیده اند.

تردیدی نیست که منافع مردم زحمتکش و طبقه کارگر و اردوی آزادیخواهی در عراق توسط هیچکدام از نیروهای ارتجاعی درگیر نمایندگی نمیشود. کارگران و مردم در عراق برای تقابل با نیروهای قومی و مذهبی، برای رهایی از این اوضاع و برای احیا و تحمیل اراده خویش، راهی جز سازماندهی يك مقاومت توده ای برای سرنگونی دولت قومی مذهبی عراق، شکست جریانات ارتجاعی و تروریستی و ایجاد يك جامعه سکولار و پیشرو و آزاد و برابر ندارند.

در این میان جمهوری اسلامی يك پای رقابت و کشمکش تروریستی و جنگهای فرقه ای و مذهبی در سوریه و عراق و در منطقه است.

مقابله با داعش و تروریسم اسلامی در همه جای دنیا امکانپذیر و ضروری است

مصاحبه با مینا احدی

میدهد که از این کشورها هستند، تذکر میدهند که حجاب بر سر کنند و در اعتراض به این دست اندازی جنبش اسلامی به زندگی مردم در اروپا و در آلمان ما از طرف نهاد اکس مسلم در آلمان تا کنون دو میتینگ موفق برگزار کرده ایم. این اساسا مقابله با پلیس شریعه بوده است.

انترناسیونال: بحثها در جامعه آلمان در مورد پلیس شریعه چیست؟ آیا جامعه توجه کافی به این معضلات نشان میدهد؟

مینا / احدی: واقعیت اینست که با حضور اولین گروه پلیس شریعه در وپرتال آلمان، عکس العمل ها بسیار گسترده بود. این يك بمب خبری بود. همه از این موضوع مطلع شدند و جامعه در التهاب فرو رفت. این حالت باعث شد فوراً همه سیاستمداران در استان نورد راین وستفالن که این اتفاق در آنجا بود، به نوعی مجبور به موضعگیری شوند. وزیر داخله استان در این مورد حرف زد. نمایندگان احزاب سیاسی و همچنین آنجلا مرکل و وزیر داخله آلمان هم در مورد پلیس شریعه حرف زدند. طبعاً بعد از مدتی اعلام شد که پوشیدن جلیقه با آرم پلیس شریعه در آلمان ممنوع است و هر جا اینها مزاحم مردم میشوند فوراً به پلیس اطلاع دهید.

ما این واقعه را مهم تلقی کرده و معتقد بودیم باید علیه اینها به خیابان رفت. سازمان اکس مسلم تنها نهادی بود که فراخوان به میتینگ داد. در وپرتال رفتیم و گفتیم اینجا

در همان اولین روزهای مطرح شدن حمله داعش به عراق و موصل در شهر کلن انجام شد، من در يك سخنرانی کوتاه دو دقیقه ای در دفاع از مردم موصل و علیه جنبش اسلامی حرف زدم که این سخنرانی در مدیای اجتماعی آلمانی بسیار منعکس شد و صداها بار این سخنرانی باز پخش شده است.

این دوره از فعالیت ما در آلمان به نظر من در عین حال از نظر سبک کاری مهم بود. در هر اتفاقی که در دنیا پیش می آید و از جمله همین واقعه در شنگال و یا امروز در کوبانی، جنبشی اجتماعی راه می افتد و مردمی که وابستگی هایی به آن منطقه دارند اقوام و دوستانشان در آن مناطق هستند، به حرکت در می آیند و ما باید با این مردم با شبکه هایی که سازمان دهنده اعتراضات هستند، تماس گرفته و همگام با آنها در اعتراضات حضور داشته و در این اعتراضات نقش بازی کنیم. کمک کنیم که شعارها و یا خواستها را به شکل صحیح و مناسب تنظیم شود و در جهت دادن و رهبری این جنبش اجتماعی نقش بازی کنیم. فعالیت های ما در این دوره این نوع سبک کار را نمایندگی میکرد.

دور دیگری از اعتراضات را در همین روزها در آلمان داشتیم. این اساساً در مقابل پلیس شریعه بود. در آلمان يك مشته اسلامی راه افتاده و در خیابانها "امر به معروف و نهی از منکر" میکنند. یعنی در خیابانهای اروپا راه افتاده به جوانان تذکر میدهند که نرقصند، لباس باز نپوشند، بازی و تفریح نکنند، چون اینها اسلامی نیست، به دخترانی که از ترکیه و یا عراق و ایران آمده و قیافه و یا رنگ مویشان نشان



فقط نظاره کرد. خوب در آن مقطع صداها و هزاران نفر در شهرهای مختلف اروپا و از جمله در آلمان به خیابان رفتند. کاری که من و ما در شهر کلن آلمان کردیم، تماس گرفتن با برگزار کنندگان میتینگها بود. با مسئولین و دست اندرکاران این میتینگها حرف زدیم و با آنها همکاری از نزدیک داشتیم. در کلن دو میتینگ بزرگ برگزار کردیم. در یکی از این میتینگها ۵۰۰ نفر آمدند و در دومی که با همکاری شخصیتهای ایرانی ساکن کلن همراه بود، ۳۰۰ نفر حضور داشتند. در یکی از تظاهراتهایی که

مرگ دست و پنجه نرم میکردند، در روزهایی که دم در خانه های مسیحیان در موصل علامتی میزدند و به معنی این بود که این افراد باید شهر را ترک کنند و در غیر اینصورت آدمخواران اسلامی آنها را خواهند کشت. ما به خیابان رفتیم و اعتراض کردیم. برای ما قبل از هر چیز این اعتراض و ابراز انزجار خودمان یعنی اعتراض کمونیستها و معترضین به نقض وحشیانه حقوق انسانی بود که ما را به خیابان میکشید. هر انسانی با دیدن این اخبار و شنیدن جنایات داعش فکر میکرد باید کاری کرد. نمیتوان

انترناسیونال: در روزهای اخیر در چند شهر اروپایی و از جمله در آلمان تظاهرات هایی در اعتراض به جنایات داعش انجام شده است. شما یکی از سازماندهندگان و سخنرانان این حرکات اعتراضی بوده اید. خواست و هدف این تظاهراتها چیست؟

مینا / احدی: این تظاهراتها در دو مقطع برگزار شد. دو تظاهرات در شهر کلن آلمان علیه جنایت داعش در شنگال بود. در روزهایی که هزاران نفر آواره در کوهها سرگردان بودند و تعداد زیادی از بی آبی و بی غذایی با



از صفحه ۶

مقابله با داعش و تروریسم اسلامی در همه جای دنیا امکانپذیر و ضروری است

منطقه عاری از شریعه است و گفتیم هر جا اینها سر بر آوردند ما هم می آییم و شهر به شهر تعقیبشان میکنیم. حرکت ما با انعکاس مطبوعاتی بین المللی روبرو شد و استقبال از این حرکت زیاد بود. بعدا در دوسلدرف آلمان سر و کله اینها پیدا شد. آنجا هم رفتیم. در مقابل میتینگ ما چند نفر سلفی آمده و قرآن پخش میکردند. فیلم و عکس این میتینگ هست و درگیری که در محل پیش آمد. سخنرانیهای ما را در میتینگ دوسلدرف هزاران نفر در مدیای اجتماعی نگاه کرده و بسیاری برای ما پیام تبریک فرستاده اند.

انترناسیونال: گروهی می گویند عمق جنایات داعش برای همه روشن است و این تظاهرات نمی تواند تاثیری در حال مردمی که مستقیما مورد تعرض این نیروها قرار دارند، داشته باشد. پاسخ شما چیست؟

مینا / حدی: طبعاً در محل فاجعه باید کارهای فوری و اقدامات دیگر و از جمله مسلح شدن مردم را تبلیغ کرد. من معتقدم، آنجایی که مردم مسلح شدند و از خودشان و زندگیشان و امنیتشان دفاع کردند، توانستند در مقابل این گروه وحشی مقاومت کنند. مثلاً در آمرلی این اتفاق افتاد و یا کوبانی. ولی این قانون از کجا آمده که در اروپا و خارج از آن کشورنباید حرف زد چون تاثیر ندارد؟ مگر ما علیه سنگسار سکینه دنیا را روی سرمان نگذاشتیم و این موثر نبود؟ مگر ما هر روز در اروپا مشغول این نوع کمپین ها نیستیم. کسی که میگوید حرف زن و خانه بمان و شلوغ نکن چون تاثیر ندارد، یا مشککش اینست که نمیخواهد دنیا بلند شده و علیه داعش و جنبش اسلامی کاری بکند و یا اینکه از سیاست

چیزی نمی فهمد.

کسانی که با دیدن عکس جنایات این گروه انسانکش و وحشی، احتمالاً تلویزیون را خاموش کرده و دنبال کارشان میروند و سپس برای توجیه این بی تفاوتی لباس تئوریک دوخته و طلبکار هم میشوند، به نظر من در ردیف بیخیالها و یا مجانین سیاسی هستند. من یکی به اینها اهمیت نمیدهم. نه فقط این

تظاهرات ها چگونه استقبال شد و انعکاس آن در رسانه ها و در بین مردم چطور بود؟

مینا / حدی: طبعاً در دوره اول تظاهراتها که علیه جنایت داعش در موصل و شنگال و غیره بود هزاران نفر به خیابان رفتیم و انعکاس رسانه ای بسیار خوبی داشت. مردم اروپا و آلمان با دقت همه این اخبار را تعقیب

داعش و اعتراض علیه "پروچلال" می بینید؟ مردم و رسانه های آلمان در این باره چه میگویند؟

مینا / حدی: داعش يك پدیده شوم بین المللی در این دوره بود که بسیاری از همدیگر می پرسیدند اینها از کجا پیدا شدند، چرا يك دفعه بعد از بهار عربی و اعتراضات گسترده جهانی علیه نظام سرمایه داری و جنبش اشغال وال استریت، از زیر زمین جانورانی بیرون آمده و همه چیز را به تباهی کشاندند؟ داعش از یکسو ساخته شرایط بعد از حمله امریکا به عراق است، نابودی زیر ساختهای



می کردند و طبعاً اعتراضات از نظر من توجه های زیادی را بخود جلب کرد یکی دو هفته همه توجه ها به این اعتراضات جلب بود. در این دوره که ما علیه پلیس شریعه اعتراض میکنیم، هم توجه به این اعتراضات زیاد است. مردم در سایتها و مدیای اجتماعی زیاد استقبال میکنند مثلاً سخنرانیهای ما در میتینگها از طرف هزاران نفر دیده شده و نامه های حمایتی زیادی را در این مدت دریافت کرده ایم.

انترناسیونال: در آلمان همانطور که گفتید، گروههای اسلامی تحت عنوان "پلیس شریعه و "پروچلال" دست به حرکاتی زده اند و اعتراضاتی علیه آنان صورت گرفت. آیا شما ارتباطی بین تظاهراتهای علیه

يك جامعه و تبدیل عراق به يك ویرانه و ساختن حکومتی پوشالی مبتنی بر قوم و نژاد و مذهب و کشیدن خط بطلان بر مدنیت و حقوق فردی و مدنی مردم، داعش درعین حال در زیر زمین های نمناك سوریه بعد از شکست انقلاب مردم سوریه ساخته شد و نیرو گرفت. از سوی دیگر داعش ساخته شرايطی است که دولتهای غربی با جنبش اسلامی در همین اروپا میسازند، به آنها امکانات مادی و معنوی میدهند و با اتکا به تئوری نسبیت فرهنگی جوانان زیادی را به مساجد تقدیم کرده و کمک میکنند تا آنها رادیکالتر شوند و راهی جنگ با کفار گردند. داعش پدیده ای است که مربوط به جوامع موزاییکی، پدیده ای مبتنی بر نسبیت فرهنگی و اعلام اینکه پدیده هایی نظیر

حجاب و سنگسار و کودک آزاری و ... فرهنگ آنها است و پدیده ای است مبتنی بر اینکه دول غربی به گروهی از مردم بجرم اینکه خودشان و یا پدر و مادرشان در نقطه دیگری از جهان متولد شده اند، يك مهر مسلمان میزنند و دو دستی آنها را تقدیم سازمانهای اسلامی میکنند. مبارزه با داعش و داعشیان هم باید چند وجهی و در پاسخ به این معضلات باشد. ما باید همه این جوانب را در نظر گرفته و به مقابله با داعش و نفوذ جنبش اسلامی و اسلام سیاسی در غرب بپردازیم.

بنظر من در مقابله با این جنبش باید استراتژی روشنی داشت. و در این مبارزه باید کمونیستها در صف اول باشند. در اینجا شما میتوانید با بررسی پدیده داعش همچون يك سلول، همه نکات و درماندگی و کثافت نظام سرمایه داری موجود را بررسی و نقد کنید.

اگر امید به زندگی بهتر نبود، اگر خطر سوسیالیسم نبود دنیا همین جهنمی میشد که داعش و سازماندهندگان و مدافعین داعشی، آنرا در مقابل ما مردم میگذارند. از دولت امریکا گرفته تا جمهوری نکبت اسلامی تا عربستان سعودی و دولتهای ترکیه و آلمان و سوئد.

الان بهترین فرصت بویژه برای کمونیستهایی است که از کشورهای اسلام زده هستند. برای ما کمونیستهایی که از ایران هستیم و پوزه این جنبش را به خاک مالیده ایم، برای ما که از این جنبش نمی هراسیم و نمیترسیم، بسیار حیاتی است که در وسط استخر سیاست در جوامع اروپایی رفته و از جهانشمولی حقوق انسانی، از مدنیت و حقوق شهروندی و از يك آینده بهتر و ممکن در آینده حرف بزنیم. الان بهترین فرصت برای نشان دادن راه حل انسانی و کمونیستی در مقابل این فجایع فراهم هست و تعدادی به اسم کمونیست به ما میگویند بروید و قائم شوید! این يك تف سربالا است! *

در باره کسب آراء ۱۲.۹ درصدی حزب راسیستی دمکراتهای سوئد در انتخابات سوئد و راه های مقابله با راسیسم و خارجی ستیزی

باشد. يك قانون باید برای همه ساکنین کشور بطور یکسان و برابر به مورد اجرا گذاشته شود. در عین حال باید به گروههایی که رسماً به نام دین اسلام مدافع خشونت و تروریسم هستند شدیداً برخورد شود.

۶- مبارزه با راسیسم امر همه شهروندان جامعه است. لازم است این مبارزه بیشترین شهروندان جامعه را در مقابله با خطر نژاد پرستی به میدان بیاورد. از این رو ما با حرکت پیشنهادی اول اکتبر مبنی بر اعتصاب عمومی خارجی تبارها بدلیل جلوه "خارجی" و "سوئدی" کردن مبارزه با راسیسم حمایت نمی کنیم.

سپتامبر ۲۰۱۴

حسن صالحی - فدراسیون
سراسری پناهندگان ایرانی در سوئد
hasan.salehi2000@gmail.com

افسانه وحدت - کودکان مقدمند در سوئد
afsanehvahdat@yahoo.se

مهین علیپور - کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران و علیه تبعیض

mahin_alipour@yahoo.com

مرتجع و افراطی اسلامی از یکدیگر تغذیه می کنند. یکی در دفاع از "نژاد اروپایی" ما را از "هجوم مسلمانان" می هراساند و دیگری می خواهد "درخت شریعت اسلام" را با خون دیگران آبیاری کند. ما در این نزاع به هر دو قطب ارتجاعی آن نه می گوئیم و پرچم دفاع از انسانیت و سکولاریسم را بلند می کنیم. ما به سیاستهای دول غربی و دولت سوئد نسبت به پرو بال دادن به جریانات اسلامی و مماشات با آنها اعتراض داریم. ما فکر می کنیم که نادیده گرفتن خطر گسترش افراطی گری اسلامی و مقابله با آن از جانب نیروهای سکولار و مدافع انسانیت باعث می شود که جریانات راسیستی از این مسئله برای اهداف ضد انسانی خود بهره برداری کنند. شهروندان صرفنظر از هر باوری و اعتقادی که دارند باید از حقوق برابر برخوردار باشند. در عین حال باید انتقاد از مذهب و ارزشهای ضد زن و ضد انسانی که به نام مذهب ترویج و تبلیغ می شود بدون قید و شرط آزاد باشد. قوانین شریعه بهیچوجه نباید در این کشور جایی داشته

بزرگی برداشته شود. بخش قابل توجهی از ساکنین خارجی تبار سوئد در شهرهای بزرگ متاسفانه در گتوهای مخصوص به خود زندگی می کنند. زندگی در گتوها و بیکاری گسترده در میان ساکنین آنها امرانگیزه کردن را مشکل تر می کند. مقابله با تبعیض و نابرابریهای اجتماعی و ایجاد شغل يك شرط مهم برای انتگراسیون است. در این زمینه باید برنامه روشنی وجود داشته باشد. در عین حال نباید تحت عنوان "احترام به مذهب و فرهنگ خودی" نوعی دیگری از تبعیض را رواج داد. که گویا جمعی از "خارجیان" به دلیل مشخصات فرهنگی و قومی آنها لازم نیست مثل همه شهروندان دیگر از همه حقوق انسانی و جهانشمول خود برخوردار باشند. دیدگاهی که مثلاً به سرنوشت دختران و زنان که در خانواده های متعصب مردسالار مذهبی و ارزشهای ضد زن گرفتار آمده اند اهمیتی نمی دهد. مبارزه برای دفاع از حقوق جهانشمول ساکنین سوئد بخش جدائی ناپذیری از مبارزه با راسیسم است.

۵- راسیسم و جریانات

سردگمی شده و به حزب دمکراتهای سوئد رای می دهند. این حزب با سوء استفاده از نارضایتی بخشی از شهروندان جامعه خارجیان را مسبب وضع موجود اعلام می کند و به بیگانه ستیزی و نژادپرستی دامن می زند.

۲- اشتباه است اگر تصور کنیم که مبارزه با راسیسم فقط در مبارزه علیه خارجی ستیزی خلاصه می شود. از نظر ما مبارزه با راسیسم از مبارزه برای بهبود شرایط زندگی انسانها، دفاع از دستاوردهای دیرینه جامعه سوئد و همچنین مقابله با بدتر شدن خدمات رفاهی و درمانی و امنیت شغلی در جامعه جدانپذیر است. مقابله جدی با احزاب راسیستی نظیر حزب دمکراتهای سوئد مستلزم اتخاذ سیاستهایی است که بتواند امنیت اجتماعی و رفاه را به زندگی شهروندان باز گرداند.

۳- تبلیغات و اقدامات خارجی ستیزانه و نژادپرستانه حزب دمکرات های سوئد باید در همه سطوح پاسخ بگیرد. ما از سیاست پناهنده پذیری انسانی و پناه دادن به انسانهایی که بدلیل جنگ، خفقان، زندان و شکنجه با خطر جانی روبرو شده اند، قاطعانه دفاع می کنیم. ما معتقدیم که ساکنین سوئد با پیشینه خارجی علیرغم تبلیغات مسموم کننده راسیستها نه فقط "سر بار" جامعه نیستند بلکه شهروندانی هستند که با کار و تلاش خود در عرصه های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی به سهم خود نقش داشته اند.

۴- ما معتقدیم که برای انگیزه کردن کسانی که به سوئد پناهنده شده اند باید گامهای

افزایش پشتیبانی از حزب راسیستی دمکراتهای سوئد در انتخابات اخیر سوئد و بدست آوردن ۱۲.۹ درصد از آراء شهروندان از جانب این حزب، به بحث های زیادی در جامعه پیرامون راسیسم و راههای مقابله با آن دامن زده است. ما نیر مایلیم بعنوان نمایندگان سازمانها و نهادهایی که همواره علیه راسیسم و نابرابری در جامعه فعالیت کرده ایم نظر خود را در این مورد اعلام داریم.

۱- بیشتر کسانی که به حزب راسیستی دمکراتهای سوئد رای داده اند نه راسیست هستند و نه به ارزشهای نژادپرستانه حزب دمکراتهای سوئد باوری دارند. اکثریت آرای کسب شده توسط حزب دمکراتهای سوئد را باید به حساب نوعی مخالفت و اعتراض به شرایط ناامن اجتماعی در سوئد گذاشت. نارضایتی عمومی از وجود بیکاری گسترده، کاهش در آمد واقعی کارگران و حقوق بگیران، آینده ناام برای جوانان، بدتر شدن خدمات رفاهی، کاهش هزینه های رسیدگی به بیماران و سالمندان، کاهش در آمد بازنشستگان، وضعیت هشدار دهنده مدارس و تحصیل از جمله زمینه هایی هستند که راسیسم در آن رشد و نمو می کند. متاسفانه احزاب مختلفی که در سوئد به تناوب قدرت را در دست داشته اند نه فقط به نیازهای شهروندان برای داشتن يك زندگی خوب، مرفه و عادلانه جواب مثبت نداده اند بلکه در جهت بازپس گیری دستاوردهای مبارزاتی مردم سوئد عمل کرده اند. بخشی از جامعه در اثر نارضایتی از عملکرد این احزاب دچار





لگام" پاسخ نیست، به جنبش علیه اعدام پیوندید!

سیروان قادری

است! "لگام" همچون هر سیاست آگاهانه بخشی از حاکمیت اسلامی، هنوز آغاز نشده به شکست انجامیده و بی ربطی اش به خواسته های بر حق و آزادیخواهانه مردم بیش از پیش عیان شده است. اما باید هوشیار بود و مانع از قربانی گرفتن بیشتر از مردم و فعالین علیه اعدام شد.

جنبش علیه اعدام، حی و حاضر و علنی در جامعه موجود است و فشار آشکار و غیر قابل انکاری را بر این حکومت وارد کرده و شمار قابل توجهی از اعدامی ها را از دست آدمکشان این حکومت نجات داده است "لگام" و ترندهایی از این قبیل، تلاش برای تحمیل عقبگرد به آن است. به جنبش علیه اعدام پیوندید.*

را قبول کنید و در چهارچوب آن اعتراض کنید! درست مثل تفکری که میخواهد از طریق پول دادن به "گدا"، فقر را ریشه کن کند!

"لگام" اعلام کرده است که هدف نهایش "لغو مجازات اعدام" است اما نگفته است که چرا حرف آخرش را اول نمیزند؟! مگر جنبش وسیع علیه اعدام را نمیبیند؟ مگر غلیان جامعه تشنه پایان سرکوبهای سیستماتیک حکومتی که در اشکال مختلف و به صورت روزانه عرض اندام میکند را نمیبیند؟! چرا به این جنبش وسیع، علنی و مردمی نمی پیوندند؟ چرا در گفتن جمله "لغو کامل اعدام همین امروز" که بخشهای وسیعی از جامعه به صورت علنی و عیان فریادش میزنند لکنت زبان میگیرند؟! به قول معروف چرا مردم را به "مس" وعده می دهند، وقتی که امکان بدست آوردن "طلا" موجود

این وجود مسئله ایشان لغو "گام" به گام" اعدام در چهارچوب نظام اسلامی است. اینها خوب میدانند که "کلماتی" همچون حجاب، اعدام، سرکوب، تبعیض جنسیتی، شکنجه و... از سربد طینتی فلان مرجع تقلید یا فلان ولایت فقیه نیست، بلکه ستون ماندن حاکمیت اسلامی است. همین تناقض فاحش کافیت تا نقاب از چهره سیاست پشت زوروق "لگام" بردارد.

"لگام" جنبش نیست، بلکه سیاست بخشی از حاکمیت اسلامی در تقابل با جنبش علیه اعدام در ایران است، سیاستی که دأما و در طول حیات جمهوری اسلامی، تولید و بازتولید شده است. "لگام" قالب امروزی تر "سیاست حجابیانی" و "سبز موسوی" است که قرار است به مردم منزجر از اعدام و "عدل اسلامی" بگوید که نکنید! چوبه دار را نشکنید! در مقابل زندانها اعتراض نکنید! قانون ارتجاعی

همزاد جنبشی است که به قدمت حیات جمهوری اسلامی موجود بوده است، جنبشی که یک وجه پایه ای تقلا و موجودیتش، حفظ ارکان حاکمیت سرمایه داری اسلامی در مقابل طغیان نارضایتی مردم است که در دوره های مختلف در اشکال گوناگون قد علم کرده است. همراه شدن کسانی هم که بخاطر خواست انسانی خود در لغو قتل عمد دولیت با "لگام" همراه شده اند، نیز تغییری در ماهیت آن نمی دهد.

بنیانگذاران "لگام" میدانند که اعدام، یکی از مهمترین مکانیسمهای بقای رژیم است! میدانند که لغو اعدام به معنی مذهب زدایی از حاکمیت و به تعبیر دقیق تر، زوال و پایان حاکمیت شریعت و قرآن و روینای مختنق حکومت است! میدانند که پایان بساط چوبه دار و سرکوب و کشتار، آنتی تز جمهوری اسلامی است! اما با

"فعالین کارزار موسوم به "لغو گام به گام اعدام"، پس از گذشت یکسال از کارزارشان اعلام کرده اند: "متأسفانه، در این مدت اجرای مجازات اعدام در ایران بی وقفه ادامه یافت و حتی شمار و نسبت آن در مقایسه با گذشته فزونی گرفت و ایران همچنان دومین مقام را از حیث شمار اعدامها و مقام نخست را از لحاظ نسبت اعدامها در جهان حفظ کرد".

باید به فعالین "لگام" گفت که "صبح شما بخیر!" مگر انتظار دیگری بود؟ مگر قرار بود دولت اعتدال، رویه ای غیر از این در پیش گیرد؟ باید پرسید که چه تحول و تغییری اینان را به این توهم سوق داد که در پرتو رحمت دولت "اعتدال" میتوانند مجازات مرگ را "گام به گام" لغو کنند؟

اما این صورت مبهم مسئله است، اگر کمی دقت کنیم متوجه میشویم که "لگام" از نظر سیاسی

جمهوری اسلامی باید از نمایشگاه کتاب فرانکفورت اخراج شود!

اجازه نمیدهد در داخل سرکوب کنند و در خارج ادای انتشاراتی درآورند. ما همه مخالفان جمهوری اسلامی را فرامیخوانیم که همراه با ما در آکسیون های اعتراضی شرکت کرده و علیه سرکوب و سانسور و تدریس خرافه و علیه حضور مزدوران "انتشاراتی" جمهوری اسلامی در این نمایشگاه اعتراض کنند. مکان و زمان برنامه های اعتراضی ما متعاقبا به اطلاع عموم خواهد رسید.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - آلمان
۲۴ سپتامبر ۲۰۱۴

کتاب خوان را شکنجه و اعدام میکند و یک وزارتخانه به اسم وزارت ارشاد برای سرکوب و سانسور و تحت تعقیب قرار دادن نویسندگان مخالف و منتقد دایر کرده است، در نمایشگاه کتاب قابل قبول نیست. مداخلات دست اندرکاران نمایشگاه با نمایندگان وزارت ارشاد جمهوری اسلامی، زد و بند و فراهم آوردن امکانات حضور رژیم جانیان در این نمایشگاه، یک دهن کجی آشکار علیه مردم ایران و علیه هر نوع آزادی بیان و عقیده است.

غرفه های تدارک دیده شده برای جمهوری اسلامی باید برچیده شود و "انتشاراتی" های جمهوری اسلامی از نمایشگاه اخراج شوند. تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری امسال هم مانند سالهای قبل در داخل نمایشگاه با دایر کردن غرفه، مزدوران انتشاراتی اش را افشا میکند و

از روز ۸ تا ۱۲ اکتبر امسال نمایشگاه جهانی کتاب در شهر فرانکفورت آلمان آغاز به کار خواهد کرد. جمهوری اسلامی تدارک شرکت در این نمایشگاه را می بیند. اما رژیمی که کوچکترین ابراز مخالفت سیاسی و فرهنگی با خود را با زندان و اعدام جواب میدهد، رژیمی که آزادی بیان و نشر افکار و عقاید را رسماً ممنوع اعلام کرده، فعالین کارگری را دستگیر و شلاق میزند، دهها تن از فعالین فیس بوکی را به اتهام «توهین به خمینی» دستگیر و روانه زندان کرده، رژیمی که بیش از سه دهه است بزرگترین کشتار مخالفان را سازمان داده و دهها هزار نفر را اعدام کرده و حامی تروریسم اسلامی و کشتار انسانها است، جایش در نمایشگاه کتاب نیست.

هیچ توجیهی از قبیل "آزادی بیان و نشر" برای حضور رژیمی که کتاب میسوزاند و کتاب نویس و

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
http://www.countmein-iran.com

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank
کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس
و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

به کنگره ما بپیایید!

کنگره نهم حزب کمونیست کارگری در ماه اکتبر ۲۰۱۴ برگزار میشود
کنگره علنی است و ورود برای عموم آزاد است!

برای ثبت نام و کسب اطلاعات لازم با شماره تلفن و آدرس زیر تماس بگیرید:
ایمیل و تلفن تماس برای اسم نویسی:
تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
markazi.wpi@gmail.com

دعوت بعمل خواهد آمد.
کنگره فرصت مناسبی برای آشنائی از نزدیک با حزب، سیاست ها، کادرها، نحوه فعالیت و تصمیم گیری ما در جریان این عالیترین اجلاس حزبی است. از همه شما عزیزان دعوت میکنیم به کنگره ما بپیایید.

نهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران در ماه اکتبر امسال به طور علنی در یکی از شهرهای اروپا برگزار میشود. علاقمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنگره شرکت کنند. از احزاب و سازمانهای سیاسی و رسانه های خبری نیز برای حضور در کنگره

کمپین علیه زن ستیزی نیروهای اسلامی:

به استقبال ۲۵ نوامبر روز جهانی اعتراض به خشونت علیه زنان برویم!

روز جهانی اعتراض به خشونت بر علیه زنان موکول میکنیم. ما از همه سازمانهای مدافع حقوق زن و از همگان دعوت میکنیم در این مدت باقیمانده تا ۲۵ نوامبر به افشاگری های گسترده تر، برگزاری سمینار و برنامه های اعتراضی مختلف دست زده و کمک کنند در همه جا یک جبهه اعتراض به زن ستیزی نیروهای اسلامی ایجاد کنیم.

کمپین علیه زن ستیزی نیروهای اسلامی همگان را به یک جنبش گسترده علیه نیروهای زن ستیز اسلامی فرا میخواند!
کمپین علیه نیروهای زن ستیز اسلامی
۲۰ سپتامبر ۲۰۱۴

و شکیبایی برخورد کرده و دولتهای غربی با تبلیغ و دفاع از نسیت فرهنگی و دفاع آشکار و پنهان از جنبش و حکومت های اسلامی، این آزار و اذیت وحشتناک را عادی جلوه داده و به نوعی عادی کرده اند.
ما بویژه بعد از رفتار وحشیانه داعش در سوریه و عراق علیه زنان، تصمیم گرفتیم این جنایات را در ابعاد بین المللی افشا کنیم و از همگان دعوت میکنیم که در این زمینه با ما همکاری کنند.
قرار بود روز ۲۷ سپتامبر در همه جا میتینگهایی در دفاع از حقوق زنان داشته باشیم که این برنامه ها را به روز ۲۵ نوامبر

کمپین علیه زن ستیزی نیروهای اسلامی، از یک ماه قبل آغاز شده و ما با تماس با فعالین مدافع حقوق زن از کشورهای مختلف و از جمله از تونس و افغانستان و عراق و بنگلادش و فعالین مدافع حقوق زن از کشورهای اروپایی، سعی داریم توجه جهانی را به زن ستیزی لجام گسیخته نیروهای اسلامی علیه زنان جلب کنیم.
جامعه بین المللی در سه دهه گذشته در مورد زن ستیزی نیروهای اسلامی و از جمله خشونت عربان و وحشیانه ای همچون سنگسار و تحمیل حجاب اجباری به زور شلاق و اعدام به زنان در مجموع با صبر



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود